

اعتبار حبس کمتر از ۹۱ روز در حقوق کیفری ایران*

- ابوالحسن شاکری^۱
- سیدمسعود حیدری^۲

چکیده

به دلیل ناکارآمدی مجازات حبس در اصلاح زندانیان و جرم‌زا بودن محیط زندان و سنگینی هزینه‌های آن، مجازات جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شد که البته به معنای حذف کامل مجازات حبس به ویژه حبس کوتاه‌مدت نیست. بر این اساس، در ماده ۷۰ ق.ا.م.ا از اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز برای محکوم به جرمی که متجری باشد و از اجرای مجازات جایگزین حبس تخلف نماید، سخن به میان آمده است، از سوی دیگر، در مقام تخفیف مجازات به دلیل عدم وجود نص صریح قانون، منعی برای صدور و اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز نیست. به علاوه، زمانی که دادگاه رأی به تعلیق مجازات می‌دهد، مستند به ماده ۵۴ ق.ا.م.ا در صورت ارتکاب جرم جدید با شرایطی حبس کمتر از ۹۱ روز به اجرا درمی‌آید. اما در جرایم بدون تعزیر در صورت تخلف محکوم از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۸.

۱. دانشیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (shakeri_criminallaw@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (masoud.heydari71@gmail.com).

اجرای دستور دادگاه، مجازات جایگزین حبس لغو نمی‌شود.
واژگان کلیدی: حبس، کوتاه‌مدت، حکم، جزای نقدی، مجرم.

مقدمه

دولت‌ها با توجه به حقوق شهروندان با جرم‌انگاری و ضمانت اجراهای مختلف از جمله مجازات‌ها در صدد برقراری نظم و ایجاد آرامش در جامعه هستند. مجازات در لغت به معنای جزا دادن در نیکی و بدی است (دهخدا، ۱۳۷۴) و در اصطلاح، منظور از مجازات ضمانت اجرایی است که قاضی طبق قانون به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه، برای شخص مقصر تعیین می‌کند (باهری، ۱۳۸۰: ۳۶۶). از جمله این مجازات‌ها حبس و جزای نقدی می‌باشند. حبس در قانون تعریف نشده است، ولی ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ در تعریف زندان مقرر داشته است:

زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند.

بدین ترتیب مراد از حبس، نگهداری محکوم در زندان است. در یک نگاه کلی می‌توان مجازات حبس را به دو حبس کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد. مفهوم حبس کوتاه‌مدت به درستی روشن نیست؛ در حقیقت آنچه معلوم نیست مدت زمانی است که کیفر حبس مشمول عنوان «کوتاه‌مدت» است (اردبیلی، ۱۳۷۲: ش ۱۱-۱۲/۲۷۹). در واقع، کمترین مجازات‌های حبس مقرر در قانون با واحد روز یا ماه، حبس‌های کوتاه‌مدت هستند. معایب حبس کوتاه‌مدت به قدری زیاد است که باید آن را داروی بدتر از درد لقب داد؛ به این دلیل که نه می‌توان هیچ برنامه تربیتی و اصلاحی را پیاده کرد و نه می‌توان نتیجه مهمی را از آن انتظار داشت (صلاحی، ۱۳۵۴: ۱۱۵). با لحاظ آثار منفی و مخرب زندان و شخصی کردن مجازات‌ها، مجازات‌های جایگزین حبس را باید نوعی پاسخ به هزینه‌های بسیار زیاد کیفر حبس برای جامعه دانست، اما گرایش جدید در استفاده از مجازات‌های کوتاه‌مدت حبس نه به عنوان تنبیه یا اصلاح محکوم بلکه با هدف مداخله آنی جامعه در جهت ایجاد یک ضربه روانی سودمند است (آنسل، ۱۳۹۵:

۹۵). بر این اساس، در نظر قانون‌گذار ممکن است که حبس کمتر از ۹۱ روز همیشه بی‌فایده نباشد. بدون شک جامعه محکومان به حبس را شدیدتر از محکومان به جزای نقدی تقبیح می‌کند، بنابراین ننگ و سرافکنندگی حبس بیش از جزای نقدی است (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۶۹/۲). جزای نقدی خفیف‌ترین مجازات است و به همین خاطر در حقوق کامن‌لا در جرایم بدون کیفرخواست (جرایم اختصاری)، حداکثر مجازات جزای نقدی است (Martin, 2002: 203)، البته در ایران این چنین نیست که مجازات جرایم بدون کیفرخواست حتماً جزای نقدی باشد؛ مانند زنا یا غیر محصن که بر اساس ماده ۲۳۰ ق.م.ا. مجازات آن ۱۰۰ ضربه شلاق می‌باشد. در هر حال، جزای نقدی مبلغی است که مجرم به عنوان مجازات، مکلف به پرداخت آن می‌باشد (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۱۱۲) و در اجرای حکم قاضی از طرف محکوم‌علیه به صندوق دولت واریز می‌شود.

اندیشه جایگزین‌های کیفر حبس به سال‌ها پیش برمی‌گردد. نخستین کیفری که در فرانسه می‌توان آن را جایگزین حبس شمرد، تعلیق ساده بود که توسط قانون ۲۶ مارس ۱۸۶۱ ناظر به تخفیف و تشدید کیفرها وارد حقوق این کشور شد (Poncela, 2004: 236). نخستین هدفی که از اجرای مجازات‌های جایگزین حبس دنبال می‌شد، بازدارندگی و درمان بزه‌کاران بود (Mackenzie, 2001: 11؛ یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷: ش ۱۳۶/۶۴). ولی باید خاطر نشان کرد که برخی پژوهشگران یکی از نقاط ضعف این مجازات‌ها را فقدان دلیل بر بازدارندگی و ضعف جنبه تنبیهی آن‌ها می‌دانند (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۸-۴۱۳؛ زینالی، ۱۳۸۷: ش ۴۷/۶۴). در ایران، نخستین گام در خصوص الزام قاضی به تبدیل حبس به جزای نقدی «ماده واحده قانون امکان تبدیل زندان در امور خلافی که مدت آن ۲ ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی» مصوب ۱۳۰۷/۲/۲۶ کمیسیون عدلیه بود. متعاقب آن ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، دادگاه‌ها را ملزم به تبدیل مجازات قانونی حبس کمتر از ۶۱ روز به جزای نقدی کرد. در سال ۱۳۶۸ با تصویب بند ۱ تبصره ۱۷ ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مقرراتی در خصوص تبدیل برخی مجازات‌های حبس به جزای نقدی وضع شد. متعاقباً در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۸، قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در

موارد معین در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۸، مبالغ آن به ترتیب خاصی اصلاح شد که حاکی از سیاست قانون‌گذار مبنی بر عدم اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز و تبدیل آن به جزای نقدی بود. سپس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با وضع مواد مختلف از جمله ماده ۶۵ مقرر کرد:

مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها ۳ ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

رویکرد قانون‌گذار به حبس کمتر از ۹۱ روز در ماده ۷۰ ق.م.ا.^۱ موجب طرح سؤالاتی به شرح زیر گردید: آیا قضات محاکم با اعمال تخفیف مجازات مذکور در بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا. مجاز به صدور حبس کمتر از ۹۱ روز می‌باشند؟ آیا در جرایم بدون تعیین تعزیر در صورت تخلف محکوم از اجرای مجازات جایگزین حبس، محاکم مجاز به صدور حبس کمتر از ۹۱ روز می‌باشند؟ در صورت صدور حکم به تعلیق حبس کمتر از ۹۱ روز و سپس لغو آن به علت ارتکاب جرم جدید توسط مجرم در مدت تعلیق، آیا محاکم مجاز به اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز می‌باشند و یا ملزم هستند آن را به جایگزین حبس تبدیل کنند؟

برای پاسخ به این سؤالات و ابهامات مربوط به اعتبار حبس کمتر از ۹۱ روز با لحاظ موازین فقهی و حقوقی، مباحثی تحت عناوین «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز به سبب تخلف از مجازات جایگزین حبس»، «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در مقام تخفیف»، «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرایم عمدی با حداکثر حبس بیش از ۶ ماه تا ۱ سال»، «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرایم غیر عمدی با حبس بیش از ۲ سال» و «صدور حبس تعلیقی کمتر از ۹۱ روز» به شرح زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۱. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز به سبب تخلف از مجازات جایگزین حبس
بالا رفتن آمار زندانیان و عدم تأثیر زندان بر اصلاح مرتکب موجب شد تا از حکم دادگاه‌ها

۱. ماده ۷۰ ق.م.ا.: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورهای عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود».

به مجازات حبس کاسته شود. لذا سیاست قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۲ بر این قرار گرفت که نسبت به درج مجازات‌های جایگزین حبس در قانون اقدام نماید.^۱ برای این منظور ابتدا از نهاد تعلیق مراقبتی که از مدت‌ها پیش با هدف بازپروری بزهکاران اعمال می‌شد، با ایجاد تغییر در وظایف مأموران تعلیق مراقبتی، به عنوان ابزاری کم‌هزینه برای اجرای مجازات جایگزین حبس استفاده شد (Brownlee, 1998: 84; Saieh, 2006: 63-72).

در تعریف مجازات جایگزین حبس در ایران مطابق با ماده ۶۴ ق.ا.م.آ.^۲ آمده است: مجازات جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان،^۳ جزای نقدی،^۴ جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی^۵ است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.

در جرایم قابل گذشت با توجه به اینکه با اعلام گذشت شاکی، قرار موقوفی تعقیب صادر و پرونده مختومه می‌شود، عدم تعیین مجازات جایگزین حبس بدیهی است. بنابراین لاجرم باید قائل شویم که مجازات‌های جایگزین حبس در جرایم غیر قابل گذشت تعیین و اجرا می‌گردد (شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۲۰۸/۱) که لزوماً باید تعزیری با منشأ حکومتی یا غیر منصوص شرعی باشد؛ چرا که قاضی مجاز نیست در مجازات‌های حدود، قصاص، تعزیرات منصوص شرعی و دیات مذکور در قانون تغییری دهد و آن را

۱. در ایران، مجازات‌های جایگزین حبس برای کاهش جمعیت کیفری زندان، ابتدا با لایحه مستقلی تحت عنوان «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید (شمس ناتری و ریاحی، ۱۳۹۱: ش ۸/۳۳).

۲. جایگزین‌های مجازات حبس، مجازات‌هایی هستند که به تبع محکومیت و مجازات، امکان گذراندن تمام یا بخشی از مجازات را در اجتماع و خارج از نهادهای زندان به مجرم می‌دهند (Vass, 1990: 156).

۳. اولین کسی که پیشنهاد استفاده از توان کاری مجرم را در عوض مجازات وی به طرق مرسوم مطرح کرد بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها بود (۱۳۹۳: ۱۰۶).

۴. جزای نقدی ممکن است که ثابت یا نسبی باشد. مبلغ یا حداقل و حداکثر جزای نقدی ثابت، در قانون تعیین می‌شود و میزان جزای نقدی نسبی بر اساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد (صانعی، ۱۳۷۴: ۲۲۸/۲).

۵. برای اطلاع بیشتر از محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس، ر.ک: خالقی، ۱۳۸۰.

به مجازات دیگری تبدیل کند.

مستند به ماده ۷۰ ق.م.ا. در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز ممکن است. البته اطلاق این ماده با مفاد مواد ۸۱ و ۸۲ تقیید می‌خورد؛ یعنی مجازات جایگزین باید یک مرتبه تمديد شده باشد و امکان رفع مانع هم نباشد. بر این اساس، سیاست قانون‌گذار بر خلاف مقررات قانون وصول در بند ۱ ماده ۳ در مورد حبس‌های کوتاه‌مدت کمتر از ۹۱ روز است. برای نمونه، دادگاه برای مرتکب جرمی که در قانون برای آن جرم مجازات تا ۹۰ روز حبس تعیین شده است، ابتدا ۹۰ روز حبس یا کمتر تعیین می‌نماید، سپس در حکم صادره، مستند به بند الف ماده ۸۴ ق.م.ا. به جای حبس، وی را به انجام خدمات عمومی شهری به مدت ۲۷۰ ساعت به عنوان مجازات جایگزین محکوم می‌کند، اما چنانچه محکوم علیه از انجام خدمات عمومی جایگزین حبس خودداری کند مجازات حبس علیه او اجرا می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۱۸)؛ لذا صدور حکم به مجازات جایگزین حبس، مجازات حبس را به طور کلی منتفی نمی‌سازد، همچنان که در قانون فرانسه چنین است.^۱ به عبارتی، مجازات جایگزین حبس قطعی نیست و قطعیت آن مشروط به تحقق رفتار خاصی در مجرم است. پس باید بدل جایگزین حبس معین و در حکم قید شود تا در صورت عدم اجرای مجازات‌های جایگزین، مجازات اصلی به اجرا درآید (زراعت، شرح مختصر مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۵۴). این تدبیر قانون‌گذار برای جلوگیری از تشکیل جلسه مجدد دادگاه است تا در صورت معذور بودن اجرای مجازات جایگزین، مجازات حبس اجرا شود (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۱: ۲۶۳/۲). بنابراین اگر محکوم علیه از تحمل مجازات جایگزین سر باز زند یا در هنگام اجرای آن از دستورات دادگاه سرپیچی کند، حکم مجازات

۱. در ماده ۸-۱۳۱ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ مقرر شده است: «در مواردی که برای یک جرم جنبه‌ای مجازات زندان مقرر شده باشد، دادگاه می‌تواند مقرر دارد که محکوم علیه، کاری عام‌المنفعه و بی‌دستمزد را برای مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به نفع یک شخص حقوقی عمومی یا انجمنی که شایستگی و توانایی اجرای کار عام‌المنفعه را داشته باشد، انجام دهد. دادگاه مجاز نیست به متهمی که از انجام کار عام‌المنفعه سرپیچی می‌کند یا در دادگاه حضور ندارد، حکمی مبنی بر انجام این کار صادر کند. قاضی دادگاه پیش از تصیم‌گیری، متهم را از حق خود مبنی بر عدم پذیرش از انجام کار عام‌المنفعه آگاه کرده و پاسخ او را دریافت می‌نماید».

جایگزین لغو شده و مجازات حبس اجرا می‌شود.

در خصوص تعارض نظر قانون‌گذار در ماده ۷۰ ق.م.ا. مبنی بر حبس کمتر از ۹۱ روز، با صراحت بند ۱ ماده ۳ قانون وصول که بر اساس آن الزاماً باید حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی تبدیل شود، دو نظر مورد توجه است: نظر اول، نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۹۲/۱۱۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۲ است که در مقام پاسخ به این سؤال که آیا بند ۱ ماده ۳ قانون وصول با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسخ شده است یا خیر؟ بیان داشته بود:

مطابق بند ۱ در هر مورد که در قوانین، حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس باشد به جای حبس، حکم به جزای نقدی صادر می‌شود. این یک تکلیف قانونی است، اما طبق ماده ۶۴ ق.م.ا. مجازات جایگزین حبس موقعی قابل اعمال است که محکوم علیه واجد شرایط تخفیف باشد. در غیر این صورت مجازات جایگزین، اعمال نخواهد شد؛ مثلاً دادگاه مجازات متهم سابقه‌دار را در صورت ارتکاب جرمی که حداکثر مجازات آن ۳ ماه حبس باشد باید الزاماً به جزای نقدی تبدیل کند، اما به مجازات جایگزین حبس نمی‌تواند محکوم نماید. در نتیجه بند ۱ ماده ۳ قانون وصول از مقررات مجازات‌های جایگزین حبس خفیف‌تر و نسخ نشده است.

قبول و اعمال این نظریه اداره حقوقی دلالت بر آن دارد که هم بند ۱ ماده ۳ قانون وصول مبنی بر تبدیل الزامی حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی، و هم ماده ۶۵ ق.م.ا. مبنی بر الزام به جایگزینی حبس تا ۳ ماه اعتبار خود را دارند. در این صورت ظاهر و نتیجه آن می‌شود که گویا ماده ۶۵ ق.م.ا. بیهوده وضع شده است؛ زیرا ماده مذکور کاملاً از نظر میزان مجازات با بند ۱ ماده ۳ قانون وصول همپوشانی دارد. در حالی که باید گفت چون ماده ۶۵ ق.م.ا. اراده جدید قانون‌گذار است و از طرف دیگر با لحاظ اینکه اگر قلمرو دو قانون یکی باشد و بتوان بین دو قانون مطروحه تشابه موضوعی یافت قانون اول منسوخ است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۴۰/۲)، بر این اساس برای جلوگیری از وجود تعارض در قوانین کیفری و همچنین با توجه به اینکه هر دو قانون وصول در بند ۱ و ماده ۶۵ ق.م.ا. خاص و دارای حبس کمتر از ۹۱ روز بوده که قانون‌گذار در هر دو ماده اشاره شده به لفظ مجازات قانونی اشاره کرده است، به دست

می‌آید که ماده ۶۵ ق.م.ا. مؤخر، بند ۱ ماده ۳ قانون وصول مقدم را نسخ کرده است. لذا دیگر نیازی به وجود مقررات بندهای ۱ ماده ۳ قانون وصول مصوب ۱۳۷۳ نیست و مستندات قضات برای حکم به جایگزین حبس قانون مجازات اسلامی خواهد بود که امکان صدور حکم حبس کمتر از ۹۱ روز را با شرایطی برای محاکم فراهم می‌آورد.

چنانچه اعتقاد بر این باشد که برای برخورداری از مجازات‌های جایگزین حبس، شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا. برای تمامی موارد تصریح شده به جایگزین حبس در مواد مختلف فصل نهم از قانون مجازات اسلامی ضروری است و مرتکب باید گذشت شاکی را در کنار وجود سایر جهات مخففه به دست آورد، -برای مثال، چنانچه قاضی بخواهد مجرم را طبق بند الف ماده ۸۴ ق.م.ا. به ۲۷۰ ساعت خدمات عمومی رایگان محکوم کند باید مسبوق به شرط گذشت شاکی باشد، تالی فاسدش این است که راه فرار را برای بسیاری از بزهکاران می‌گشاید تا خیلی آسان‌تر و با شناخت از اینکه ماده ۳ قانون وصول هیچ پیش شرطی را مقرر نداشته است صرفاً با پرداخت جزای نقدی مقرر در قانون وصول، از تحمل حبس رهایی یابند. در این صورت، هدف قانون‌گذار از ماده ۶۴ ق.م.ا. که تحقق گذشت شاکی است، هرگز محقق نخواهد شد، در حالی که تصریح مقنن در ماده ۱۹ ق.م.ا. به مجازات حبس تا ۳ ماه به عنوان مجازات اصلی، دلیل بر جواز صدور حکم به این مدت حبس و در نتیجه بی‌اعتباری قانون وصول مبنی بر تبدیل بدون بازگشت حبس کمتر از ۳ ماه به جزای نقدی است. اجرای ماده ۱۹ ق.م.ا. را می‌توان در امتناع مجرم از اجرای مجازات‌های تکمیلی مذکور در ماده ۲۴ ق.م.ا. دانست که قانون‌گذار ضمانت اجرای چنین رفتاری را در صورت تکرار، تبدیل بقیه مدت محکومیت مجرم به حبس درجه ۸ در ماده ۱۹ ق.م.ا. یعنی تا ۳ ماه حبس می‌داند.

تحقیقاً با وضع ماده ۶۵ ق.م.ا. نیز هرچند مرتکب در ابتدا به ۳ ماه حبس محکوم، ولی متحمل آن نخواهد شد و باید جایگزین حبس به اجرا درآید، این امکان هست که با لحاظ ماده ۷۰ ق.م.ا. یعنی تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، تا ۳ ماه حبس به اجرا درآید، در حالی که اگر قانون وصول معتبر دانسته شود مبنی بر اینکه قاضی ملزم است که حبس کمتر از ۳ ماه را به جزای نقدی تبدیل کند، هرگز حکم به حبس کمتر

از ۳ ماه اجرا نخواهد شد. در مقابل، محکوم صرفاً ملزم به پرداخت جزای نقدی است و در نتیجه ماده ۷۰ ق.م.ا. در این خصوص مهمل خواهد بود. شاید با این ملاحظات بوده است که اداره حقوقی متعاقباً نظر قبلی خود را اصلاح کرده و با ارائه نظر دوم به شرح زیر، به نسخ قانون وصول تغییر جهت داده است.

اداره حقوقی در نظریه دوم به شماره ۷/۹۲/۲۱۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ بیان داشت: طبق ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، رسیدگی به جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها تا ۳ ماه حبس باشد در صلاحیت شورای حل اختلاف است و این امر مربوط به زمانی بوده است که طبق بند ۱ ماده ۳ قانون وصول، امکان صدور حکم حبس وجود نداشته است و شورای حل اختلاف نیز مکلف به تبدیل این مجازات به جزای نقدی بوده است، اما در صورت احراز مقررات مربوط به جایگزین‌های حبس از جمله ماده ۶۴ ق.م.ا. علاوه بر جزای نقدی، امکان صدور دیگر مجازات‌ها از جمله خدمات عمومی رایگان نیز وجود دارد. از طرفی طبق ماده ۷۰ همین قانون، دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین حبس، مدت مجازات حبس را تعیین می‌کند تا در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین حبس، تخلف از دستورات و یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود و همچنین طبق قسمت اخیر ماده ۸۱ قانون مذکور، در صورت تکرار تخلف مجازات حبس اجرا می‌گردد. در نتیجه در مجازات‌های جایگزین حبس تا ۳ ماه، اجرای مجازات حبس محتمل است و چون شورای حل اختلاف، مجاز به تعیین یا صدور حکم حبس نمی‌باشد لذا قسمت اخیر بند ۱ از ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف، نسخ ضمنی شده است و رسیدگی به این موارد در صلاحیت دادگاه‌هاست که به استناد تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۸، رسیدگی به جرایم با مجازات‌های کمتر از ۳ ماه حبس به طور مستقیم در دادگاه صورت می‌گیرد و نیاز به صدور کیفرخواست و تعقیب در دادسرا نیست.

اگر طبق این نظریه، شورای حل اختلاف^۱ با وضع قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات جایگزین حبس، صلاحیت رسیدگی به جرایم با مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز و تبدیل آن به جزای نقدی را ندارد و حکم به مجازات جایگزین حبس

۱. شورای حل اختلاف یک مرجع غیر قضایی است که صلاحیت رسیدگی قضایی و حل و فصل اختلافات و صدور حکم را دارد (خالقی، ۱۳۹۱: ۳۵۲).

باید توسط دادگاه صادر شود تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، حبس به اجرا درآید، این نتیجه ضمنی نیز حاصل می‌شود که بند ۱ ماده ۳ قانون وصول نسخ شده است، وگرنه چنانچه لازم باشد که حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی تبدیل شود نه بایسته است که شورای حل اختلاف صلاحیت خود را در رسیدگی به این نوع جرایم از دست بدهد و نه اینکه قانون وصول فاقد اعتبار گردد.

قانون شورای حل اختلاف در بند ۹ ماده ۹ مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۹، فقط جرایم تعزیری را که صرفاً مجازات آن‌ها جزای نقدی درجه هشت باشد در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار داده است، مفهوم مخالف آن این است که چنانچه قانون‌گذار برای جرایمی مجازاتی غیر از جزای نقدی درجه هشت در نظر گرفته باشد - مثلاً حبس ولو کمتر از ۹۱ روز - شورای حل اختلاف، صلاحیت رسیدگی و صدور حکم به آن را ندارد. به عبارت دیگر، با مقایسه دو قانون ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ شورای حل اختلاف و با توجه به تغییراتی که قانون‌گذار عمداً در خصوص صلاحیت این شورا در رسیدگی به جرایم در قانون مجازات اسلامی به وجود آورده است، شورای حل اختلاف در خصوص جرایم با میزان مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز نمی‌تواند بر اساس قانون وصول تصمیم‌گیری کند؛ یعنی اتخاذ تصمیم در این جرایم با دادگاه است که تحقیقاً رویکرد و مستندات دادگاه برای صدور رأی، مقررات جایگزین حبس است نه قانون وصول که در تعارض با مقررات جایگزین حبس متأخر است. این در حالی است که طبق مقررات شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، جرایم با حبس کمتر از ۹۱ روز در صلاحیت این مرجع بوده و این شورا طبق قانون وصول مصوب ۱۳۷۳، موظف به تبدیل حبس به جزای نقدی بوده است.

مفاد ماده ۷۰ ق.م.ا. اشعار دارد به اینکه دادگاه در ضمن حکم خود علاوه بر درج نوع و میزان مجازات‌های جایگزین حبس باید مدت مجازات حبس را هم قید کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، مجازات حبس به اجرا درآید، در حالی که شورای حل اختلاف نمی‌تواند مدت حبس را در حکم محکومیت قید کند و اساساً نمی‌تواند حکم حبس صادر کند. بر این اساس، پرونده‌های با مجازات حبس زیر ۳ ماه باید مستقیماً در دادگاه مطرح شوند و شورای حل اختلاف صلاحیت

رسیدگی به آن‌ها را ندارد، هرچند دادگاه هم در ابتدا حکم به حبس صادر نخواهد کرد بلکه با احراز مجرمیت مرتکب، حکم به مجازات‌های جایگزین حبس صادر خواهد شد که برای مجرم یک فرصت است تا بتواند از آن استفاده کند و راهی زندان نشود، ولی اگر متعاقباً بیم تجری مجرم برود و تمایل به اصلاح نداشته باشد بنا بر نص صریح ماده ۷۰ ق.م.ا. با شرایط مقرر، حکم حبس کمتر از ۹۱ روز اجرا خواهد شد، در حالی که طبق قانون وصول، این مجرم که در ارتکاب و تکرار جرم جری شده است، هرگز محکوم به حبس نخواهد شد.

۲. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در مقام تخفیف

قانون‌گذار در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی تخفیف مجازات را پیش‌بینی کرده است که اعم از تبدیل مجازات و تقلیل آن است. توجه قضات محاکم به هر یک از آن‌ها در مقام ارفاق به مجرم، با لحاظ شرایط خاصی است که در قانون مقرر شده است؛ مثلاً اگر مجازات جرمی در درجه ۵ باشد که مستند به ماده ۱۹ ق.م.ا. مجازات آن بیش از ۲ تا ۵ سال حبس است و با اعمال بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا. حبس به میزان ۱ تا ۳ درجه تقلیل داده شود، مجازات آن به درجه ۸ کاهش می‌یابد؛ چون یکی از مجازات‌های درجه ۸ در ماده ۱۹ ق.م.ا. حبس تا ۳ ماه است، لذا تخفیف صدور حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز فاقد ایراد قانونی است. در اینجا ممکن است دو تردیدی ایجاد شود: نخست اینکه صراحت قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۵ ق.م.ا. است که به موجب آن حبس کمتر از ۹۱ روز به جایگزین حبس تبدیل می‌شود، ولی در مقابل باید گفت که استناد به ماده ۶۵ ق.م.ا. در خصوص تبدیل مجازات حبس کمتر از ۳ ماه در حکم دادگاه به مجازات جایگزین حبس صحیح نیست؛ زیرا این ماده ناظر به مجازات قانونی جرم یعنی حبس کمتر از ۳ ماه در قانون است نه مجازات قضایی؛ یعنی آن مجازاتی که قاضی پس از اعمال تخفیف، به مجازات حبس کمتر از ۳ ماه حکم می‌دهد. پس اگر قاضی با اعمال بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا. به حبس کمتر از ۳ ماه حکم دهد، این مجازات به مجازات جایگزین حبس تبدیل نخواهد شد. به علاوه، به صراحت ماده ۷۳ ق.م.ا. تبدیل حبس تقلیل‌یافته به مجازات جایگزین حبس ممنوع است.

تردید دوم، رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ است که به موجب آن، حبس کمتر از ۹۱ روز الزاماً باید به جزای نقدی تبدیل گردد. شایان ذکر است که این رأی محل اختلاف محاکم در تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز در وضعیتی بود که مجازات قانونی آن، دارای حداقل حبس کمتر از ۹۱ روز و حداکثر بیشتر از ۹۱ روز بود که مضمول ماده ۳ قانون وصول می‌گردید نه غیر آن، همچنان که در ابتدای رأی وحدت رویه مذکور نیز صراحتاً به بند ۲ ماده ۳ قانون وصول و جرایم با حداقل مجازات کمتر از ۹۱ روز اشاره شده است. در این صورت اگر قاضی به حبس کمتر از ۹۱ روز نظر داشت، الزاماً می‌بایست حبس را به جزای نقدی تبدیل می‌کرد. با این توصیف، این رأی بر ممنوعیت اعمال حبس کمتر از ۹۱ روز در وضعیتی که حداقل حداکثر حبس قانونی بیشتر از ۹۰ روز باشد، دلالتی ندارد و منصرف از آن است؛ یعنی این رأی نمی‌تواند مانع از صدور حکم به مجازات حبس کمتر از ۳ ماه در مقام تخفیف، و اجرای آن در خصوص مرتکبان جرایمی باشد که مجازات آن‌ها در قانون بیش از ۹۱ روز حبس است. لذا می‌توان به حبس کمتر از ۹۱ روز رأی داد بی‌آنکه قاضی ملزم و حتی مخیر باشد که حبس کمتر از ۹۱ روز را به جزای نقدی یا مجازات جایگزین حبس تبدیل کند.

۳. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرایم عمدی با حداکثر حبس بیش از ۶ ماه تا ۱ سال

مستند اختیار قاضی به جایگزین حبس، کلمه «می‌تواند» در ماده ۶۷ ق.ا.م.ا است که

۱. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹: «به صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفند ماه ۱۳۷۳، در موضوعات کیفری در صورتی که حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا ۳ میلیون ریال بدهد. بنابراین تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز برای متهم، مخالف نظر مقنن و روح قانون می‌باشد و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات حبس کمتر از مدت مزبور باشد می‌بایستی حکم به جزای نقدی بدهد. با این کیفیات رأی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر مرکز استان خراسان که حکم ۳ ماه حبس دادگاه عمومی را فسخ و متهم را به جزای نقدی محکوم کرده، منطبق با این نظر است و به اکثریت آرا موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد».

به موجب آن دادگاه می‌تواند مرتکب جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند. با لحاظ کلمه «می‌تواند»، مفهوم مخالف این حکم قانونی آن است که دادگاه اختیار دارد مرتکب را به مجازات جایگزین حبس محکوم نکند، بلکه وی را به مجازات حبس محکوم کند. این حبس ممکن است از دو جهت کمتر از ۹۱ روز باشد؛ یکی با اعمال جهات تخفیف مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا. حبس بیش از ۹۱ روز به حبس کمتر از ۹۱ روز تبدیل گردد و دیگر اینکه اساساً حداکثر مجازات قانونی جرمی که بیش از ۶ ماه تا ۱ سال است ممکن است که حداقل آن کمتر از ۶ ماه و حتی مثلاً کمتر از ۳ ماه حبس باشد. در صورت اخیر، قاضی مجاز است به همان حداقل مجازات قانونی که کمتر از ۹۱ روز حبس است، حکم دهد. اگر قاضی با لحاظ کلمه «می‌تواند» مذکور در ماده ۶۷ ق.م.ا. بخواهد حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند، لازم است که شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا. رعایت گردد. به عبارتی برای تبدیل مجازات حبس مذکور در ماده ۶۷ ق.م.ا. به جایگزین حبس، اگر شرایط ماده ۶۴ وجود داشته باشد، قاضی می‌تواند به جای حبس مجازات جایگزین حبس را در نظر بگیرد و در صورت نبودن شرایط قانونی ماده ۶۴ قاضی مجاز به استفاده از جایگزین حبس نخواهد بود.

ممکن است این گونه برداشت شود که با توجه به مفهوم مخالف ماده ۷۳ ق.م.ا. این جواز برای محاکم وجود دارد که چنانچه در جرایم عمدی، مجازات جرمی بیش از ۱ سال حبس باشد، قاضی بدون در نظر گرفتن تخفیف، مجاز به صدور حکم جایگزین حبس خواهد بود. بنابراین می‌توان جایگزین حبس را برای جرایم بیش از ۱ سال هم در نظر گرفت، در حالی که چنین نیست؛ زیرا با عنایت به اصل قانونی بودن مجازات‌ها، مقنن در مواد ۸۳ تا ۸۶ ق.م.ا. میزان دقیق مجازات‌های جایگزین حبس را فقط برای مواردی که طبق فصل نهم از ق.م.ا. امکان استفاده از آن وجود دارد، مشخص کرده است و برای بیش از مقدار فوق یعنی جرایم عمدی با بیش از ۱ سال حبس، مجازات جایگزینی که نوع و میزانش در قانون مجازات اسلامی مشخص شده باشد، پیش‌بینی نشده است. همچنین قانون‌گذار با وضع ماده ۷۳ ق.م.ا. قصد داشته است که از اختیار بیش از حد قضات در اعطای نظام جایگزین حبس بکاهد و محاکم نتوانند میزان

حبس مجرمی را که در جرایم عمدی بیش از ۱ سال است، با اعمال تخفیف به کمتر از ۱ سال تقلیل دهند و سپس آن را به جایگزین حبس تبدیل کنند. در نتیجه مجازات‌های جایگزین حبس به لحاظ آنکه در فصل جداگانه‌ای از ق.م.ا. قرار داده شده، فقط مربوط به همان مواد تصریح شده در فصل نهم (نه غیر آن) است. بنابراین در جرایم عمدی تا ۶ ماه حبس و در جرایم غیر عمدی تا ۲ سال حبس، دادگاه ملزم به صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است. ولی اگر میزان حبس در قانون از مقدار فوق فراتر باشد برای دادگاه الزامی به حکم به جایگزین حبس نیست. با این توصیف، از ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس، محدودیت قلمرو آن می‌باشد به طوری که تعداد محدودی از جرایم و گروه اندکی از مجرمان را شامل می‌شود (Brownlee, 1998: 26). به عبارت دیگر، این محدودیت به گونه‌ای است که بسیاری از جرایم برخوردار از محکومیت‌های حبس، از شمول مجازات جایگزین حبس خارج‌اند. همچنین مجازات‌های جایگزین حبس غالباً شامل بزهکاران جوان می‌شود که آنان نیز معمولاً درصد کمی از محکومان به حبس را به خود اختصاص می‌دهند.

ماده ۶۹ از جمله مواد از قانون مجازات اسلامی است که پیشینه تقنینی نداشته است. به استناد این ماده «مرتکبان جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند». این ماده ناظر به مواردی است که برای آن‌ها در قانون صرفاً به ذکر عبارت «مرتکب تعزیر می‌شود» اکتفا شده و نوع یا میزان مجازات تعزیری مشخص نشده است؛ از جمله مواردی که در قانون، مجازات تعیین نشده است، می‌توان به تبصره ۲ قانون الحاق ماده واحده به قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱/۱۰ و تبصره ۱ ماده ۵۸ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹ اشاره کرد. لذا ابتدا دادگاه مکلف است به مجازات جایگزین حبس حکم دهد ولی نظر به ماده ۷۰ ق.م.ا. که در خصوص ضمانت عدم

۱. در صورتی که تخلف، مربوط به صدور معرفی‌نامه خلاف باشد، صادرکننده معرفی‌نامه خلاف، از طرف شرکت یا مؤسسه یا بنگاه موضوع بند ۱ این ماده، با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید، به مجازات تعزیری محکوم می‌شود.
۲. قاضی می‌تواند غایب را به مجازات (تعزیر) دیگری که خود صلاح بداند، به جای مجازات‌های مذکور در ماده ۵۸ محکوم نماید.

اجرای مجازات‌های جایگزین حبس است، دادگاه باید هنگام حکم به مجازات جایگزین حبس، به این ماده نیز استناد کند و مدت حبس را که به جای آن مجازات جایگزین حبس در نظر می‌گیرد تعیین نماید تا چنانچه مجازات جایگزین حبس اجرا نشد مجازات اصلی که حبس است اجرا گردد، ولی دادگاه‌ها نمی‌دانند که در این باره چه میزان حبس را باید در حکم قید کنند تا در صورت تخلف مجرم از اجرای مجازات جایگزین حبس، مجازات اولیه اجرا شود. ممکن است گفته شود که در این موارد چون مجازات تعزیری است و از طرف دیگر نوع و میزان مجازات تعزیری مشخص نیست به استناد تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا. باید آن را مجازات تعزیری درجه ۷ محسوب کرد که ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است. بر این اساس، دادگاه‌ها باید مجازات حبس بین مدت‌های فوق را برای مجرم در نظر بگیرند تا ضمانت اجرای تخلف از مجازات جایگزین حبس باشد. ولی به نظر می‌رسد از آنجا که مجازات‌های جایگزین حبس مربوط به فصل نهم از قانون مجازات اسلامی تنها جایگزین مجازات‌های حبسی می‌شوند که آن حبس‌ها در قانون آمده باشند، به سبب مشخص نبودن نوع و میزان حبس در قانون، الزام محاکم به تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز در جرایمی که میزان تعزیر آن‌ها مشخص نشده، براساس تبصره ۳ ماده ۱۹ قابل توجیه و مطابق با قانون نیست؛ چرا که اولاً طبق ماده ۶۹ ق.م.ا. دادگاه‌ها الزاماً باید به مجازات جایگزین حبس حکم دهند، یعنی مجاز به صدور حکم حبس به هر مقدار به عنوان ضمانت اجرا نیستند؛ ثانیاً تعیین مجازات حبس به هر مقدار به عنوان مجازات مقدم جهت حکم به مجازات جایگزین حبس در جرایم تعزیری که نوع یا میزان مجازات آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده، رویارویی با اصل قانونی بودن مجازات‌هاست که موجبات اعمال نظر شخصی قضات را در تعیین میزان مجازات حبس فراهم می‌آورد؛ ثالثاً با توجه به اینکه بر اساس ماده ۱۸ ق.م.ا. تنها اعمالی مشمول تعزیر می‌شوند که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، در صورت عدم تعیین مجازات، موجبی برای اعمال ماده ۶۹ ق.م.ا. و تفسیر موسع قوانین جزایی نیست تا محل تأمل و تردیدی علیه متهم نباشد؛ رابعاً استناد به تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا. و ارتباط آن با ماده ۶۹ این قانون و در نتیجه مجازات تعزیری درجه ۷ دانستن آن، درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تبصره ۳ ماده ۱۹ این قانون زمانی اعمال می‌شود که

نوع و میزانی از مجازات مشخص باشد ولی قابل تطبیق با هیچ یک از بندهای هشت‌گانه ماده ۱۹ نباشد. در این صورت است که این مجازات، تعزیر درجه ۷ محسوب می‌شود، در حالی که قسمت دوم ماده ۶۹ ق.ا.م.ا. راجع به فرضی است که جرمی وجود دارد ولی میزان مجازات آن مشخص نیست. در این صورت، اساساً رابطه‌ای بین ماده ۶۹ و تبصره ۳ ماده ۱۹ این قانون وجود نخواهد داشت. توضیح آنکه هرچند مفهوم مطلق مجازات در تبصره ۳ ماده ۱۹، اعم از مجازات معین و غیر معین است، ولی به دلیل وجود ۲ قرینه در ادامه متن تبصره، یکی «بندهای هشت‌گانه» (در هر یک از بندها میزان مجازات دقیقاً مشخص شده است) و دیگر واژه «مطابقت» که تحقیقاً باید ابتدا میزانی از مجازات وجود داشته باشد تا مشخص شود که مانع از انطباق با هر یک از بندهای هشت‌گانه است، مراد از مجازات همان مجازات معین و مشخص می‌باشد.

۴. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرایم غیر عمدی با حبس بیش از ۲ سال

با تصویب ماده ۶۸ ق.ا.م.ا. که به موجب آن دادگاه‌ها در تمام جرایم غیر عمدی، صالح به صدور مجازات جایگزین حبس هستند، تبصره ماده ۷۱۸ ق.ا.م.ا. (تعزیرات) ۱۳۷۵ که فقط مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ را از شمول بند ۱ ماده ۳ قانون وصول استثنا کرده بود، نسخ می‌شود؛ زیرا مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ نظر بر توجه قاضی به مجازات حبس دارد در حالی که به موجب ماده ۶۸ ق.ا.م.ا. قاضی ملزم به محکومیت مرتکب به حبس نیست. به بیان صریح، در جرایم غیر عمدی اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از ۲ سال حبس باشد، حکم به مجازات جایگزین حبس در اختیار قاضی است؛ به این معنا که در جرایم غیر عمدی با مجازات بیش از ۲ سال حبس، قاضی می‌تواند به بیش از ۲ سال حبس رأی دهد یا با لحاظ جهات مخففه مذکور در ماده ۳۸ ق.ا.م.ا. به مجازات حبس کمتر از ۲ سال حکم کند که در این صورت، این مجازات قضایی مخففه ممکن است که کمتر از ۹۱ روز حبس باشد. در این صورت با نظر به ماده ۷۳ ق.ا.م.ا. این مجازات

به سبب وجود جهات تخفیف، دیگر قابل تبدیل به مجازات جایگزین حبس نیست. ولی اگر قاضی بخواهد از اختیار خود استفاده کند و مجازات حبس بیش از ۲ سال در قانون را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند، باید با لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا. باشد که از جمله آن گذشت شاکی و وجود جهات مخففه است، وگرنه اگر مرتکب نتواند گذشت شاکی و جهات تخفیف را به دست آورد قاضی نمی‌تواند از اختیار خود برای تبدیل مجازات حبس بیش از ۲ سال به مجازات جایگزین حبس استفاده کند. بنابراین در جرایم مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، قاضی اختیار دارد با لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا. به مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی حکم کند. در حالی که مطابق با تبصره ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ را از شمول بند ۱ ماده ۳ قانون وصول استثنا کرده بود، قاضی مجاز به تبدیل حبس جرایم مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ این قانون به جزای نقدی نبود. از این رو باید گفت که با وضع ماده ۶۸ ق.م.ا. که مناسب به حال متهم نیز هست، تبصره ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نسخ شده است.

ماده ۶۴ ق.م.ا. که نخستین ماده مربوط به مقررات مجازات‌های جایگزین حبس است، در قسمت اول، جایگزین‌های حبس را برشمرده است^۱ و در قسمت دوم، به شرایط حکم به جایگزین حبس مثل گذشت شاکی اشاره کرده است. اینکه شرایط مذکور باید در تمامی احکام تبدیل حبس به جایگزین حبس رعایت گردد، محل بحث است. به بیان دیگر، در پاسخ به اینکه «آیا برای اعمال قسمت اول ماده ۶۸ و مواد ۶۵، ۶۶ و ۶۹ ق.م.ا.، نیاز به شرایط ماده ۶۴ هست یا نه؟» دو نظر متصور است؛ برخی شاید معتقد باشند وفق مفاد ماده ۶۴ ق.م.ا. گذشت شاکی و وجود یکی از جهات تخفیف، شرط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در همه مواد مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس است که در این باره، نظریه مشورتی اداره حقوقی به شماره ۷/۹۲/۱۰۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ بیان می‌دارد:

۱. از ویژگی‌های واکنش‌های جزایی این است که در الگوی جایگزینی، مجازات‌های نوینی مانند نظارت الکترونیکی و خدمات اجتماعی در کنار مجازات سنتی جزای نقدی در قالب فهرستی از مجازات‌ها ارائه می‌شوند تا مجموعه کاملی از جایگزین‌ها به قضات پیشنهاد کنند (Seymour, 2005: 8).

با توجه به ماده ۶۴ ق.ا.م.ا در صورتی که شاکی خصوصی وجود دارد، گذشت او یکی از شرایط اعمال مجازات جایگزین حبس است.

یعنی اگر گذشت شاکی یا دیگر شرایط قانونی فراهم نباشد، مطلقاً نمی‌توان مجازات جایگزین را استفاده کرد. در این صورت بر اساس مواد ۶۵ و ۶۶ ق.ا.م.ا. قاضی به صدور مجازات جایگزین برای حبس کمتر از ۳ ماه و ماده ۶۶ ق.ا.م.ا الزام ندارد، در حالی که مطابق با بند ۱ ماده ۳ قانون وصول، قاضی ملزم به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی است که از این جهت ممکن است گفته شود که نظر قانون‌گذار مطابق با مواد ۶۵ و ۶۶ ق.ا.م.ا در مقایسه با قانون وصول سختگیرانه است؛ زیرا طبق قانون وصول، قاضی ملزم به حکم به جزای نقدی است، بی‌آنکه مجرم گذشت شاکی را جلب کند، در حالی که طبق قانون مجازات اسلامی برای صدور مجازات‌های جایگزین حبس، مجرم باید گذشت شاکی را جلب کند.

تحقیقاً رعایت شرایط ماده ۶۴ ق.ا.م.ا برای حکم به مجازات جایگزین حبس بر اساس ماده ۶۵ ق.ا.م.ا. خصوصیتی ندارد. بلکه این توجه را با لحاظ نظریه اداره حقوقی به صراحت فوق باید در همه مواد قانونی که قاضی را به جایگزین حبس دلالت می‌دهد در نظر گرفت. در این صورت مثلاً برای اعمال ماده ۶۵ ق.ا.م.ا. به شرط وجود شرایط ماده ۶۴ ق.ا.م.ا. آن می‌شود که اگر شرایط ماده فوق تحقق نیافت مجرم باید حبس کمتر از ۹۱ روز را متحمل شود که از این جهت با اصل تفسیر مضیق و شک به نفع متهم در تعارض است و عملاً به جای حبس‌زدایی، زمینه صدور احکام با مجازات حبس کوتاه‌مدت فراهم می‌گردد؛ هرچند در قانون مجازات اسلامی موارد متعددی وجود دارد که صدور حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز را تجویز نموده است، ولی در نهایت، روح حاکم بر این قانون، کیفرزدایی به ویژه حبس‌زدایی است. از آنجا که از هر دو قانون وصول و قانون مجازات اسلامی استفاده می‌شود که سیاست جنایی^۱ ایران اصولاً در نگاه اول با حبس‌های کوتاه‌مدت مخالف است، یعنی سیاست ایران در خصوص مجازات حبس کمتر از ۳ ماه تغییر نکرده است، لذا همچنان باید در وهله اول قائل به

۱. سیاست جنایی، مجموعه روش‌هایی است که هیئت اجتماع اعم از دولت و جامعه مدنی با توسل به آن‌ها به پدیده مجرمانه واکنش نشان می‌دهند (زینالی، ۱۳۸۵: ۵).

تبدیل حبس کوتاه مدت قانونی به مجازات جایگزین حبس بود. به همین خاطر، برخی معتقدند که قانون گذار در هر صورت برای قاضی حکم به جایگزین حبس را به جای حبس کمتر از ۳ ماه مذکور در مواد ۶۵ و ۶۶ ق.م.ا. الزامی دانسته است، هر چند شرایط مذکور در ماده ۶۴ این قانون فراهم نباشد (زراعت، حقوق جزای عمومی ۳، ۱۳۹۲: ۳۳۲/۱). افزون بر این، چون سیستم قضایی ایران از موازین فقهی از جمله «التعزیر بما یراه الحاکم» (عاملی جبعی، ۱۳۸۷: ۲۴۵/۲) تأسی می کند، لذا اگر تشخیص قاضی بر اعمال مجازات های جایگزین حبس باشد، تصمیم شاکی به گذشت نمی تواند مانعی در اجرای رأی او ایجاد کند. علاوه بر اینکه به نظر می رسد عبارت «محکوم می گردند» مذکور در مواد ۶۵ و ۶۶ ق.م.ا. حاکی از آن است که هر چند جمله مقنن خبری است دلالت ضمنی بر امر و دستور دارد. یعنی هر جا که قانون از الزام محاکم به جایگزین کردن مجازات حبس سخن گفته است، مثل مواد ۶۵، ۶۶، ۶۹ و قسمت اول ماده ۶۸ قانون مزبور، اجرای آن ها لزوماً تابع قسمت دوم ماده ۶۴ ق.م.ا. یعنی شرایط مذکور در آن نمی باشد؛ زیرا چنانچه نظر بر این باشد که برای اعمال مواد فوق، شرایط ماده ۶۴ این قانون ضروری است پس در فرضی که شرایط این ماده محقق نشود، باید حبس های کوتاه مدت را اجرا کرد. در حالی که اعمال حبس کمتر از ۹۱ روز با هدف تصویب مجازات های جایگزین حبس به منظور حبس زدایی به ویژه در حبس های کوتاه مدت است که معمولاً هم برای جرایم کم اهمیت مورد استفاده قرار می گیرد، همچنان که در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ سال ۱۳۹۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور آمده است که از اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ ق.م.ا. چنین استفاده می شود که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق الزامی بوده و مقید به رعایت

۱. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹: «از مجموع مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق الاشارة الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی باشد. بر این اساس رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آرا صحیح تشخیص داده می شود».

شرایط مقرر در ماده ۶۴ ق.ا.م.ا. از قبیل گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف نمی‌باشد.

ممکن است گفته شود که ماده ۶۸ ق.ا.م.ا. در خصوص جرایم غیر عمدی مربوط به جرایم ناشی از تخلفات راهنمایی و رانندگی تا میزان ۲ سال حبس است که محاکم ملزم به صدور مجازات‌های جایگزین حبس هستند، اما بر اساس قانون وصول، در تمامی جرایم مربوط به تخلفات راهنمایی و رانندگی با هر میزان مجازات حبس، ولو بیش از ۲ سال (به استثنای مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ ق.ا.م.ا.)، قضات محاکم بدون داشتن حق صدور حبس باید به جزای نقدی حکم دهند. لذا جای این شبهه می‌باشد که قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون وصول شدیدتر است، ولی با نگاه به فصل ۲۹ از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که به جرایم ناشی از تخلفات رانندگی اختصاص دارد، درمی‌یابیم که مجازات تمامی جرایم مواد مذکور در این فصل به استثنای مجازات جرایم مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ ق.ا.م.ا. کمتر از ۲ سال حبس است. از آنجا که ماده ۶۸ ق.ا.م.ا. محاکم را تا میزان ۲ سال حبس، ملزم به جایگزین حبس می‌کند، قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون وصول شدیدتر نیست. لذا چنانچه مجازات قانونی جرم ارتكابی ناشی از تخلفات رانندگی، کمتر از ۲ سال حبس باشد، حکم به مجازات جایگزین حبس الزامی است بی‌آنکه دادگاه‌ها ملزم باشند که حکم به آن را منوط به رعایت شرایط ماده ۶۴ ق.ا.م.ا. کنند. بدین ترتیب هم بند ۱ ماده ۳ قانون وصول در حیطه جرایم غیر عمدی نسخ می‌شود و هم عدم صدور حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز، داخل در مفهوم قسمت اول ماده ۶۸ ق.ا.م.ا. است که تا ۲ سال حبس را نیز شامل می‌شود و قاضی ملزم به صدور حکم به مجازات جایگزین حبس بدون لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.ا.م.ا. خواهد بود.

۵. صدور حبس تعلیقی کمتر از ۹۱ روز

رویکرد قانون‌گذار به اعتبار حبس کمتر از ۹۱ روز در قانون مجازات اسلامی، نه فقط در مقام تخفیف یا تبدیل مجازات بلکه در مواد دیگر قانون مزبور نیز هست. به بیان ساده‌تر، محاکم در موارد دیگری نیز می‌توانند مرتکب جرایم به حبس کمتر از ۹۱ روز

را به حبس محکوم کنند و حکم را به اجرا درآورند. در این باره فصل ششم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی راجع به تعلیق اجرای مجازات قابل توجه است. قانون گذار در ماده ۴۶ ق.م.ا. تنها در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ این اختیار را به دادگاه‌ها داده است تا از مقررات تعلیق اجرای مجازات استفاده کنند. با لحاظ اینکه یکی از مجازات‌های تعزیری درجه ۸، ۳ ماه حبس است و در ماده ۵۴ قانون مزبور در مورد ضمانت اجرای تخلف محکوم از اجرای تعلیق مجازات آمده است: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند»، لذا یک مورد از اجرای حکم معلق طبق نص صریح ماده ۴۶ ق.م.ا. می‌تواند جرایم تعزیری با مجازات درجه ۸ یعنی تا ۳ ماه حبس باشد که دادگاه‌ها در صورت احراز ارتکاب جرم جدید توسط مجرم، موظف به لغو تعلیق و اجرای حکم هستند که ممکن است حبس کمتر از ۹۱ روز باشد، در این باره دیگر نمی‌توان به جای حبس کمتر از ۹۱ روز به جایگزین حبس رأی داد؛ زیرا دادگاه قبلاً بنا بر اوضاع و احوال مرتکب، یک بار اقدام به صدور حکم کرده است و ممکن است که حکم صادره حبس کمتر از ۹۱ روز باشد و برای بار دوم، دادگاه مجدداً نباید حکم دیگری صادر نماید؛ یعنی در این خصوص، حبس کمتر از ۹۱ روز را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند.

به بیان دیگر، تعلیق اجرای مجازات همانند تعویق صدور حکم نیست که مرتکب به نوعی در بلا تکلیفی قرار گیرد. بلکه تعلیق مجازات نسبت به کسی اجرا می‌شود که راجع به او حکم محکومیت صادر شده و حتی ممکن است که قسمتی از مجازات هم شروع و اجرا شده باشد، ولی به طور کامل به اجرا درنیامده باشد. بنابراین دادگاه در خصوص تعلیق یک بار حکم می‌دهد نه اینکه یک بار حکم را معلق کند و اگر تخلف کرد برای بار دوم مجدداً حکم به مجازات جایگزین صادر کند. با این توضیح، با شرایطی در صورت ارتکاب جرم جدید از جانب محکوم، امکان اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز تحقق پیدا می‌کند.

ممکن است این ایراد مطرح شود در جایی که دادگاه‌ها مستند به ماده ۴۶ ق.م.ا. اختیار صدور قرار تعلیق اجرای مجازات را دارند و در جایی دیگر مستند به ماده ۶۵ ق.م.ا. ملزم‌اند که حبس حداکثر ۳ ماه را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کنند، منطقاً باید طبق الزام عمل کنند. به عبارت دیگر، هرچند طبق ماده ۴۶ این قانون دادگاه‌ها اختیار تعلیق حبس کمتر از ۹۱ روز را دارند، از طرف دیگر طبق ماده ۶۵ این قانون اساساً نمی‌توانند حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز را صادر کنند تا امکان تعلیق آن باشد؛ زیرا طبق ماده ۶۵ ق.م.ا. دادگاه‌ها ملزم‌اند که حبس کمتر از ۹۱ روز را ابتدا به مجازات جایگزین حبس تبدیل کنند. لذا ماده ۴۶ ق.م.ا. منصرف از مجازات حبس تا سه ماه است و راجع به تعلیق مجازات‌های دیگر مذکور در این قانون و حبس‌های بیش از ۳ ماه می‌باشد. تحقیقاً این بحث از دو جهت قابل نقد و توجه است؛ یکی اینکه آیا در این خصوص قاضی در تعارض بین اختیار و انتخاب به عملی و الزام به عملی دیگر قرار نگرفته است؛ زیرا عمل به هر کدام عمل به قانون است و قاضی مخیر است که طبق قانون مجازات تا ۳ ماه حبس را معلق سازد یا طبق قانون مجازات تا ۳ ماه حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند. دیگر اینکه نفع متهم در تعلیق اجرای مجازات است؛ زیرا با تعلیق اجرای مجازات و عدم ارتکاب جرایم احصاشده در ماده ۵۴ ق.م.ا. در مدت تعلیق، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود و اجرای مجازات منتفی و محکومیت تعلیقی از پرونده کیفری پاک خواهد شد و در نتیجه در گواهی سوء پیشینه منعکس نخواهد شد. در حالی که اگر قاضی، حبس کمتر از ۹۱ روز را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند محکوم باید متحمل مجازات جایگزین شود؛ مثلاً جریمه نقدی را به دولت بپردازد. هرچند در صورت اصلاح رفتار، طبق ماده ۸۰ ق.م.ا. دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد، ولی مستند به ماده ۷۰ ق.م.ا. محکوم به مجازات جایگزین حبس باید حکم یا دستورات دادگاه را تا مدتی به اجرا درآورد. در این قیاس واضح است که نسبت به اجرای مجازات جایگزین حبس، تعلیق اجرای مجازات بیشتر به تخفیف و مصالح محکوم نزدیک‌تر است.

نتیجه گیری

استفاده بی‌رویه از مجازات زندان باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شد که موافقان آن را دچار تردید ساخت و در نهایت آنان را به واکنش واداشت. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفت پیشنهاد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس و اجتناب از مجازات حبس مگر به عنوان «آخرین حربه» بود. از جمله قوانین مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس در ایران، ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ بود که با تصویب فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم عمدی که مجازات قانونی آن کمتر از ۶ ماه حبس باشد و در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن کمتر از ۲ سال حبس باشد، قاضی ملزم است به جای حبس به مجازات‌های جایگزین آن حکم کند، بی‌آنکه نیازی به احراز شرایط مذکور در ماده ۶۴ ق.م.ا. باشد که دلالت بر نسخ بند ۱ ماده ۳ قانون وصول دارد. همچنان که در رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۶ به آن اشاره شده است؛ زیرا با وضع ماده ۶۵ ق.م.ا. که کاملاً از نظر میزان مجازات با بند ۱ ماده ۳ قانون وصول همپوشانی دارد باید گفت که ماده ۶۵ ق.م.ا. اراده جدید قانون‌گذار است و همچنین تصریح مقنن در ماده ۱۹ ق.م.ا. به مجازات حبس تا ۳ ماه به عنوان مجازات اصلی، دلیل بر جواز حکم به این مدت حبس و در نتیجه بی‌اعتباری قانون وصول نسبت به تبدیل بدون بازگشت حکم حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی است که بدین سبب در نسخ بند ۱ ماده ۳ قانون وصول تردیدی باقی نمی‌گذارد.

در مواقعی که حداقل و حداکثر حبس مقرر در قانون بیشتر از ۹۱ روز باشد، طبق ماده ۳۸ ق.م.ا. صدور حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز در مقام تخفیف فاقد ایراد قانونی است و رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ - که سبب صدور آن اختلاف محاکم در تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز در وضعیتی بود که مجازات قانونی آن دارای حداقل کمتر از ۹۱ روز و حداکثر بیشتر از ۹۱ روز بود، نسخ و مانع از صدور حکم به حبس کمتر از ۳ ماه در مقام تخفیف و اجرای آن نخواهد بود. افزون

بر اینکه در صورت صدور حکم حبس تعلیقی کمتر از ۹۱ روز و ارتکاب جرم جدید از ناحیه مجرم، به دلیل آنکه قبلاً در این خصوص حکم صادر شده است، امکان اجرای حبس کوتاه مدت وجود دارد، لذا مجدداً محاکم نمی‌توانند حکم دیگری صادر نمایند و حبس کمتر از ۹۱ روز را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کنند؛ زیرا دادگاه در قرار تعلیق، یک بار حکم می‌دهد نه اینکه یک بار حکم را معلق کند و اگر تخلف کرد مجدداً حکم به مجازات جایگزین بدهد. استثنای ماده ۷۰ ق.م.ا. را نیز باید در مواردی دانست که قانون‌گذار عملی را جرم دانسته، ولی برای آن مجازاتی تعیین نکرده است که در این صورت محاکم مکلف‌اند طبق ماده ۶۹ ق.م.ا. مجازات جایگزین برای حبس تعیین کنند. اما به دلیل مشخص نبودن میزان دقیق مجازات حبس اولیه در صورت تخلف محکوم از اجرای مجازات جایگزین حبس، مجازات جایگزین لغو نمی‌شود تا مجازات اصلی حبس که ممکن است حبس کمتر از ۹۱ روز باشد به اجرا درآید؛ زیرا در خصوص این جرایم، مقنن از ابتدا میزان حبس را در قوانین بیان نکرده است تا ضمانت اجرای تخلف از مجازات جایگزین واقع شود.

کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، گرایش، ۱۳۸۲ ش.
۲. آقایی جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، چاپ دوم، تهران، جنگل، ۱۳۹۱ ش.
۳. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۵ ش.
۴. اردبیلی، محمدعلی، «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۱۱-۱۲، ۱۳۷۲ ش.
۵. همو، حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران، میزان، ۱۳۸۹ ش.
۶. باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، مجد، ۱۳۸۰ ش.
۷. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ هفتم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۸. خالقی، ابوالفتح، جایگاه قانونی و علمی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰ ش.
۹. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ شانزدهم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۱ ش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، چاپ دوازدهم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳، تهران، جنگل، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. همو، شرح مختصر مجازات اسلامی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. زینالی، امیرحمزه، (بررسی ابعاد جامعه‌شناسانه، جرم‌شناسانه و روان‌شناسانه کاهش استفاده از مجازات حبس تعزیری)، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، شیراز، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. همو، «سرمایه اجتماعی، بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، قوه قضاییه، شماره ۶۴، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. شمس ناتری، محمدابراهیم و جواد ریاحی، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۳۳، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴ ش.
۱۹. عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ یازدهم، قم، طه، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران، فردوسی، ۱۳۶۸ ش.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، مبحث نسخ ضمنی، چاپ هفتم، تهران، میزان، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد، ۱۳۹۲ ش.
۲۳. یکرنگی، محمد و مهدی ایران‌منش، «کیفرهای اجتماع‌محور از نظریه تا عمل»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، قوه قضاییه، شماره ۶۴، ۱۳۸۷ ش.

24. Brownlee, Ian, *Community Punishment: A Critical Introduction*, 1st ed., London, Longman, 1998.

25. Mackenzie, Doris L., *Sentencing and Corrections in the 21st Century: Setting the Stage for the Future*, U.S. Department of Justice. 2001.
26. Martin, Elizabeth, *Oxford Dictionary of Law*, University Press, 5th ed., 2002.
27. Poncela, Pierrette et al, *La Fabrique du Droit au Conseil de l'Europe: Promotion et Mise en Œuvre des Sanctions Pénales Alternatives*, 2004.
28. Saieh, Edward W., *Community Correction and Human Dignity*, 1st ed., Canada, Jones and Bartlett Publishers, 2006.
29. Seymour, Mairéad, *Alternatives to Custody*, For Business in the Community Ireland, Supported by the Cyril Forbes Fund, At the Community Foundation for Ireland, In Association with Irish Penal Reform Trust, Ireland, 2005.
30. Vass, Antony A., *Alternatives to Prison: Punishment, Custody and the Community*, London, Sage, 1990.

